




Creative Commons Attribution 4.0 International License(CC BY 4.0)

 <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2023.82364.1215>

پژوهشی

بررسی نقش کلانشهرها در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی با رویکرد ارتقا کیفیت زندگی زنان (مطالعه موردی منطقه ۲۲ تهران)

اسماعیل نصیری هنده خاله (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه

گیلان، رشت، ایران. نویسنده مسئول)

esmaeil.nasiri@guilan.ac.ir

فریبرز احمدی دهکا (استادیار جغرافیا سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

ahmadi_ph@phd.ac.ir

رقیه منیری پیر سلطان (دانشجو کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور تهران، ایران)

moniri.r@gmail.com

چکیده

فضای شهری فقط دارای ابعاد کالبدی (فیزیکی) نیست، بلکه به روابط دارای جنبه‌های اجتماعی و سمبولیکی است که خصوصاً جنسیتی موجود در ساختار اجتماعی وابسته است. هدف پژوهش بررسی نقش کلانشهرها در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی با رویکرد ارتقا کیفیت زندگی زنان در منطقه ۲۲ کلان شهر تهران است. در این پژوهش با تأکید بر حضور مؤثر زنان تلاش شده است میزان مطلوبیت فضاهای شهری جهت حضور زنان در منطقه مذکور با توجه به تعداد بالای آنان نسبت به مردان مورد بررسی قرار گیرد. سوال پژوهش آن است که آیا فضاهای عمومی در منطقه ۲۲ شهر تهران از دیدگاه عدالت جنسیتی، مطلوب می‌باشد؟ تحقیق حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و در این پژوهش به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های تحقیق کیفی و کمی (پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته) در ارتباط با موضوع و اهداف تحقیق استفاده شده است و همچنین استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌های مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است. جهت پایایی سوالات پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین در این تحقیق، روابط بین متغیرهای پژوهش از طریق آماره‌های توصیفی (جداول فراوانی، نمودارها و...) و استنباطی در قالب نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل فرضیات از مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از تحلیل AMOS استفاده شده است نتایج یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که، اجتماع‌پذیری با $T=2/615$, $r=0/167$, $P<0/05$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429$

سویی دیگر مشخص شد متغیر اجتماع‌پذیری با $r=0/15$, $P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد. از فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر مستقیم دارد. بنا براین ایجاد فضاهای عمومی در منطقه مورد مطالعه برای بانوان برای رشد خلاقیت در کنار افزایش کیفیت فضاهای مورد استفاده بانوان برای رسیدن به عدالت جنسیتی در فضای شهری به منظور بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور موثر زنان در تولید و بازتولید فرهنگ شهری از جمله پیشنهادات این پژوهش است.

واژگان کلیدی: حضور پذیری، فضاهای عمومی، زنان، فضاهای تک جنسیتی، منطقه ۲۲ تهران.

۱. مقدمه و بیان مساله

افزایش و رشد سریع جمعیت، توأم با گسترش شهرنشینی و شهری‌شدن جهان، مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف، به ویژه کشورهای جنسیتی شده است: (Pietro, et al., 2005:11). شده است (Momsen, 2004:206). از آن جا که شهرها را عموماً مردان می‌سازند، در حق زنان و نقش شان در شهرها و بهره‌مندی آنان از فضاهای شهری در موارد متعدد اجحاف شده است (Rahmani & frank, 2009:12). زنان و مردان فضاهای شهری را به گونه‌ای متفاوت از هم تجربه می‌کنند (Majid, 2012:345). از طرفی با گسترش فضاهای شهری مدرن ابهام در فضاهای شهری افزایش می‌یابد (Rafiean & jafari, 2021:141). امروزه بیش از هر زمان دیگری رویکرد جنسیتی به برنامه‌ریزی شهری و عدم توجه به نیازهای زنان در فضاهای شهری به اثبات رسیده است. این فضاها مکانی برای رفع نیازهای روزمره و زندگی در شهرها هستند و در طول زمان و بر اساس شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی تغییر می‌کنند (Pasaogullari & Doratli, 2004:225). (Kurniawati, 2012:478). محیط‌های شهری اغلب از دید هر یک ترجیحات متفاوتی تاثیر گذار بر رعایت عدالت جنسیتی در فضاهای شهری سطح کیفیت زندگی محلات و کیفیت فضاهای شهری برای زنان می‌باشد؛ (Garmsirinezhad, 2022, 131). اگر برابری در اجتماع را به ایجاد امکان زندگی، انتخاب و رضایت‌مندی برای همه افراد امری ضروری است گروهی برای داشتن زندگی بهتر و گروهی برای تأمین نیازهای اولیه خود مجبور به کار در محیط بیرون از خانه هستند. برای تأمین برابری جامعه باید با درک تفاوت در نیازها، موقعیت و اهداف افراد موانع محدود کننده را رفع کند و به آنها امکان حضور مشارکت اجتماعی برابر را بدهد (Pierce et al., 2016:80). سازمان بین‌المللی اسکان بشر زمینه ملاحظیات استراتژیکی در موضوع توجه به زنان در مباحثی از قبیل خدمات ابتدایی، حقوق انسانی و اجتماعی، ظرفیت اقتصادی، حمل‌ونقل، حق امنیت و جلوگیری از آزار و اذیت زنان ساماندهی کرده است (و لذت از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم و مشارکت آنها در زندگی شهری

محدود شود (Aryana, 2021: 121). (Massey, 2013) در میان تبعیض‌های اعمال شده بر زنان، آن‌ها از حق حضور در فضاهای شهری نیز بی بهره بوده‌اند به نحوی که حتی رویکرد عدم مشمولیت زنان مطرح بود همچنین در برنامه‌ریزی فضاهای شهری نیازهای مردان مورد توجه بود که این امر منجر به ایجاد فضاهای مردانه شد (Sweet & Ortiz, 2014: 8).

عدالت از مفاهیم بسیار اساسی در توسعه پایدار است و پیش‌نیاز هر عملی است که هدف آن ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی آنهاست. این بدان معناست که برابری و عدالت جنسیتی، تنها به عنوان پرسش اساسی حقوق انسانی و عدالت اجتماعی مطرح نیست، بلکه همچنین ابزار و پیش‌شرطی برای حفاظت از محیط و امنیت بشر است (Salimi & Kazemi, 2022: 277). عدالت جنسیتی یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است به صورتی که توسعه پایدار، بدون عدالت امکان تحقق نخواهد یافت (Begum, 2012: 11). عدالت برای انجام هر عملی که هدف آن ارتقای سطح کیفی زندگی است یک پیش‌شرط به حساب می‌آید. رویکرد عدالت جنسیتی موضوعی بسیار مهم در زمینه توسعه پایدار تلقی می‌شود که به مفهوم تاکید بر گروه زنان است. در رویکرد عدالت جنسیتی، مساله شایان توجه، وضعیت زنان در شهر و جامعه و سطح عدالتی مورد نیاز آنهاست (ZibayiNejhad, 2009: 22). به نظر می‌رسد در بررسی عدالت جنسیتی، آگاهی از تبعیض‌های وارده بر زنان ضروری خواهد بود. تبعیض‌ها و جدایی‌های اعمال شده بر زنان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است (Tohidlo, 2022: 62). عدالت جنسیتی در شهر و فضای شهری حرکتی است از رفتارهای خودسرانه و خودخواهانه در شهر به سوی رفتارهای عقلانی و متعادل که در ارتباط با روابط اجتماعی عادلانه است (Kurniawati, 2012: 478). فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می‌شود و رفتار و زندگی اجتماعی افراد (Nasiri Hendekhaleh et al, 2023: 622) شهر محل سکونت، رفت و آمد، کار، تفریح و مکانی است برای زندگی و زیستن که البته باید مهیای زیستن هم باشد. لذا باید سازوکاری اندیشیده شود که مردم بتوانند در شهرها راحت زندگی کنند. زیستن با آسودگی، سازوکارهای متعدد و وسایل گوناگونی را طلب می‌کند که سرلوحه آنها امنیت است. یعنی شهر باید ایمن باشد که هر کسی چه زن و چه مرد و یا کودک بتواند آزادانه و بدون درگیر شدن با مخاطرات و با خیال راحت در هر ساعت شبانه روز در کوچه و بازار، خیابان و محله تردد کند، به پارک برود، گردش و تفریح کند، فکر کند و بنویسد، و آنگاه با تکیه بر تجربیات، تخصص، دانش و قابلیت‌های خود به کار مشغول شود، بی آنکه برای این عمل بهایی سنگین بپردازد. فضاهای شهری به مثابه یکی از بارزترین عرصه‌های تجلی هویت، فرهنگ و تمدن، بستری مناسب برای یافتن دیدگاهی نسبتاً جامع نسبت به کیفیت زندگی ساکنان هر جامعه به شمار می‌روند. در این فضاهاست که میتوان چگونگی

زندگی روزمره شهروندان با تاثیرپذیری همزمان از بستر یا کالبد فضا و نیز کمیت و کیفیت رخدادهای اجتماعی را مشاهده کرده و همچنین عملکرد این فضاها را تجسم شهر توسط ساکنانش با تاکید بر تصاویر ذهنی آنان مورد شناسایی قرار داد (Amini, et al., 2017:108). بررسی فضاهای عمومی شهری با توجه به نیازهای گروه‌های مختلف از جمله زنان و افزایش و بهبود مطلوبیت این فضاها از یک سو و برقراری عدالت جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری، از سوی دیگر می‌تواند، به بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور موثر زنان در تولید و باز تولید فرهنگ شهری منجر شود (Fanni, et al., 2015: 59).

در منطقه ۲۲ شهر تهران با توجه به ورود حجم گسترده‌ای از جمعیت و مهاجران به منطقه و به ویژه زنان در طول شبانه روز به منطقه ی ۲۲ که به دلیل وجود کاربری‌های متنوع و خصوصاً وجود دریاچه، بام لند و کاربری‌های تجاری (ایران مال) و بوستانهای متنوع، مراکز آموزشی خدماتی فراوان، وجود لبه‌ها و گره‌های عمده ی ترافیکی و سیمای برجسته منطقه می‌باشد و همچنین خالی شدن جمعیت محدوده در شب و متروک شدن بخشی از آن پس از تاریکی هوا و کاهش امنیت محیط مورد توجه می‌باشد؛ امروزه با وجود تردد و استفاده ی حجم بالای جمعیت در طی روز با افت کیفیت فضا مواجه است و برخی از زنان از فضاهایی از محدوده ی مورد مطالعه اجتناب می‌کنند و برخی از مکان‌های این محدوده را جای امنی نمی‌دانند. بنابراین، در این پژوهش با تأکید بر حضور موثر زنان تلاش شده است میزان مطلوبیت فضاهای شهری جهت حضور زنان در منطقه ی مذکور با توجه به تعداد بالای آنان نسبت به مردان مورد بررسی قرار گیرد. با این تفاسیر، حال این سؤال مطرح هست که آیا فضاهای عمومی در منطقه ۲۲ شهر تهران از دیدگاه عدالت جنسیتی مطلوب می‌باشد؟

براین اساس فرضیه‌های زیر شکل می‌گیرد

- فرضیه ۱: به نظر می‌رسد تحرک‌پذیری از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است
- فرضیه ۲: به نظر می‌رسد امنیت و ایمنی از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است
- فرضیه ۳: به نظر می‌رسد اجتماع‌پذیری در از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است
- فرضیه ۴: به نظر می‌رسد میزان مشارکت در امور از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است

فرضیه ی ۵: به نظر می رسد رضایتمندی از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است

۲- پیشینه پژوهش

جدول شماره ۱. پیشینه پژوهش

نام نویسنده	عنوان مقاله یا اثر	تاریخ انتشار	چکیده محتوایی پژوهش
محمدی	بازشناسی تقابل فضای شهری جنسیتی	۱۳۹۷	فاکتورهای کالبدی و فعالیتی در فضا تحت تأثیر فاکتورهای اجتماعی - فرهنگی در ایجاد فضای نامطلوب زنان تأثیر دارد
سلیمانی و همکاران	طراحی فضاهای شهری با ارزیابی نگرش جنسیتی	۱۳۹۸	جنسیت در انتخاب عناصر پارکها تأثیر چندانی ندارد و عناصر پارکها مطابق با نیازهای زنان خانه دار است.
بهشتی اصل و همکاران	سنجش کیفیت فضاهای شهری با رویکرد عدالت جنسیتی در کلانشهر تبریز	۱۴۰۰	مناطق که از نظر کیفیت در سطح بالاتری قرار دارند، میزان رضایتمندی بیشتری از لحاظ کیفیت فضای شهری برای زنان دارند.
صادق زاده و همکاران	رابطه هنجارهای زنانه و تبعیضهای جنسیتی با کیفیت زندگی زنان ایرانی	۱۴۰۰	تبعیضهای جنسیتی علاوه بر تأثیر به طور مستقیم نیز بر جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی زنان تأثیر دارد.
رومینا و همکاران	بررسی رابطه فضاء عدالت جنسیتی مطالعه موردی: منطقه ۶ شهر تهران	۱۳۹۷	در منطقه ۶ میزان دسترسی امنیت و کاربریها و امکانات شهری زنان نسبت کمتر است و جنسیتی بون فضا آشکار است
معاونی و همکاران	تأثیر امنیت و فضای جنسیتی افزایش حضور بانوان در فضای شهری	۱۳۹۸	امنیت عنصر کلیدی در تداوم حضور بانوان در عرصه‌های اجتماعی است .
هاشم و همکاران	تحلیل ابعاد و مولفه‌های جایگاه زنان در برنامه ریزی و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی	۱۴۰۰	ابعاد معنایی، اجتماعی و ابعاد کالبدی در طراحی عمومی برای زنان بسیار حایز اهمیت است .
پورحسین روشن و همکاران	تبیین عدالت جنسیتی در فضای شهری	۱۳۹۸	تغییرات شرایط کالبدی موجب شده است که در طراحی فضاهای شهری بانوان دیده نشوند.
بیضایی و همکاران	بررسی مولفه‌های موثر بر حضور بانوان در فضاهای شهری و تحلیل اثرات تک جنسیتی شدن	۱۳۹۷	شاخص‌هایی چون امنیت، امکانات و خدمات، انواع دسترسی‌ها، رضایتمندی، تعامل اجتماعی و اجتماع‌پذیری از مهمترین مؤلفه‌های حضور زنان است .
نام نویسنده	عنوان مقاله با اثر	تاریخ انتشار	چکیده محتوایی پژوهش
گارژیلو و همکاران	An in assessment perception safety s GIS qualitative on based map safety a "Developing	۲۰۲۰	تراکم، پوشش گیاهی، روشنایی و نوع کاربری زمین در نابرابری جنسیتی تأثیر دارد.
لک ۲	"Social Sustainability"	۲۰۱۷	ایمن و امنیت به عنوان نیازهای اساسی است که زنان از آن آسیب می بینند.

دسترسی، تسهیلات خدمات، امکانات از جمله معیارهای اصلی برای حضورپذیری زنان است.	۲۰۱۲	Women, environment and sustainable development	بلیجوم وهمکاران
حس تعلق به مکان از جمله عوامل مؤثر در حضور مؤثر زنان است	۲۰۱۶	Rights in places: An analytical extension of the right to the city	پیرس
نقش تعامل و اجتماع‌پذیری و شاخص امنیت بر اصلاح فضاهای تک جنسیتی در شهرها	۲۰۱۲	The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space	دای

۳. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

طرح و توجه جدی به مفهوم جنسیت و مبانی نظری و عملی آن به عنوان مقوله ای متمایز، به نسبت جدید و متعلق به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی است. در قرن نوزدهم تفاوت‌های جنسی فطری و طبیعی و شخصیت زن محصول کارکرد تولید مثل او تلقی می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، جنسیت فقط در مطالعات خانواده مد نظر بود. در سایر مطالعات به ویژه مطالعات مربوط به نابرابری اجتماعی، دخالت داده نشده و موقعیت زن تابعی از وضعیت اجتماعی پدر یا همسر تلقی می‌شد. (Khaled, 2010: 84). امروزه اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسیتی شده یافته‌اند و فضاهای شهری عملاً در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کنند، به عقیده بسیاری از محققان، محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی باعث شده است که آنها نتوانند به خوبی از موقعیت خود بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیر لازم از صورت مسئله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند و منکر نیازهای فضایی خود به عنوان یک شهروند گردند. (Shafie & Alikhah, 2014:96). رویکرد جنسیتی در برنامه‌ریزی و طراحی مبتنی بر نیازهای مردان، به ایجاد فضاهای مردانه منجر شده و شهرسازی را دچار نوعی کوری جنسیتی کرده است. حضور در فضا مسلم زنان است و آنان نیز همانند مردان باید از شرایط برابر حضور در فضاهای شهری برخوردار باشند. (Pourahmad, et al., 2013:16). فضاهای عمومی، به دلیل ساختار کالبدی و کارکرد اجتماعی شان، مهمترین وسیله در جهت تقویت جامعه ی مدنی به عنوان عرصه ی مشارکت تمامی گروه‌ها اعم از زنان و مردان (Pourshojaie & Habibi, 2015:18). زنان هیچ گاه از حق کامل تصرف و بهره گیری از فضاهای عمومی شهر برخوردار نبود ه‌اند و تمایزهای آشکاری بین نیازها، کنش‌ها و چگونگی بهره برداری از فضاهای عمومی شهری میان زنان و مردان به چشم می‌خورد (Short, 2009). نادیده انگاشتن چنین تمایزاتی و منظور نداشتن آنها در طراحی فضاهای عمومی شهری، زنان را به سمت حضور در

محدوده‌های «تک جنسیتی»، «فضای ورود ممنوع آقایان» و محدود کردن مشارکت آنها، تنها در زمان‌های خاصی از شبانه روز سوق داده است (Almasi Far & Ansari, 2010: 23).

واژه فضای شهری را به دوگونه تعریف می‌شود: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی «تداعی‌های فضایی نهادهای اجتماعی» است. لغور سه بعد فضاهای دریافتی فکری و زیستی را به عنوان «سه آن فضای اجتماعی» که دارای روابط متقابل دیالکتیک اند، می‌یابد (Habib, 2007: 112). امس راپاپورت با طرح موضوع «کنش متقابل انسان و محیط» معتقد است که هر محیط شهری مجموعه ای از ارتباطات متقابل میان عناصر مختلف محیطی و مردم است، ارتباطاتی که از الگوهای معینی پیروی می‌کنند و به این اعتبار معمولاً قابل پیش بینی و سازماندهی اند (Talebi, 2010: 83). (Lynch, 2013: 109). نقش اصلی فضای شهری در فراهم آوردن امکاناتی برای تسهیل روابط انسان‌ها با یکدیگر تعریف می‌شود. (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۰). فضاهای باز شهری بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان می‌باشد. تعاملات اجتماعی مفهومی برای بیان روابط متقابل، کنشگری و کنش جمعی یا همان کنش و واکنش میان آدمیان است (Shokohi, 2010: 59). در این مکان‌ها، افراد و گروههای مختلف با منافع و علایق متفاوت حضور می‌یابند. نقش اصلی این فضاها، ایجاد مکان‌هایی برای افزایش کنش‌های متقابل اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و مبارزه علیه محرومیت‌های اجتماعی است (Sadeghi, et al., 2012: 74).

مفهوم کیفیت زندگی را می‌توان از حدود ۴۰۰ سال قبل از میلاد با اصلاحاتی چون «زندگی خوب» یا «خوب انجام دادن کارها» در نوشته‌های ارسطو مورد توجه قرار داد (اما اصلاح «کیفیت زندگی» (Life Quality of)، تا دهه ۱۹۳۰ میلادی مورد استفاده قرار نگرفته بود (Brown, 2020). از دهه ۱۹۳۰، محققان با رویکرد یافتن شاخص‌های کیفیت زندگی و به منظور بررسی تطبیقی مناطق جغرافیایی مختلف، از طریق روش‌های متنوعی، کیفیت زندگی را مورد مطالعه قرار داده‌اند (یگو برای اولین بار عبارت «کیفیت زندگی» را در سال ۱۹۲۰ در کتاب «اقتصاد و رفاه» در حمایت دولت از اقشار کم درآمد جامعه و تاثیر این حمایت بر آنها و بودجه ملی مورد استفاده قرار داد. اما این عبارت به طور رسمی و خاص بر اساس نظر فیشر و شوسلر اولین بار در سال ۱۹۶۰ میلادی و در گزارش ویژه کمیسیون ملی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا مطرح شد. توسعه این مفهوم را می‌توان همگام با تحولات پسامدرن و توجه به رویکردهای اجتماعی در حدود ۱۹۷۰ میلادی به بعد دنبال کرد. به مرور زمان محققین متوجه شدند که کیفیت زندگی می‌تواند یکی از پیامدهای مهم و پویای همه جنبه‌های انسانی از جمله سلامت باشد، چنانچه تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز به این نکته تاکید دارد (Fayers & Machin, 2013).

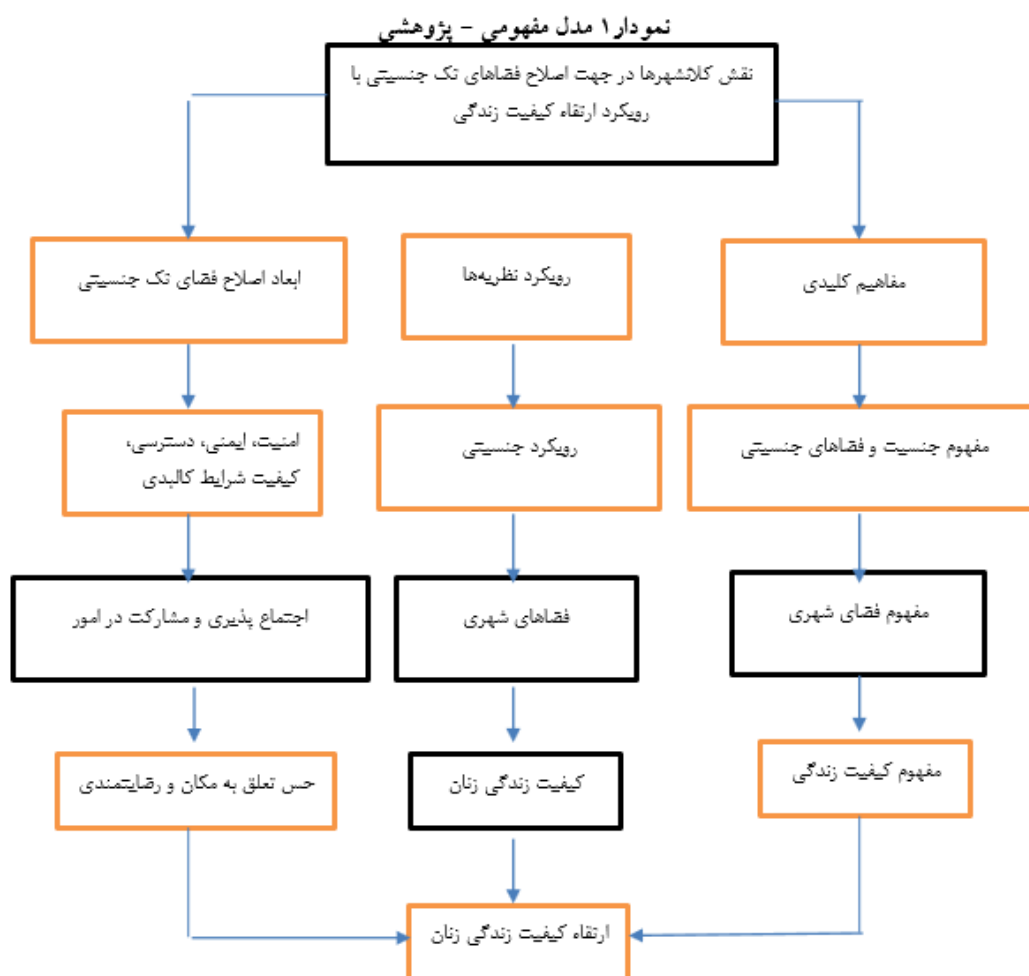
به طوری که در بین دیدگاه‌های صاحب نظران، ابهام و پیچیدگی در مفهوم آن دیده می‌شود. اما با بررسی بیشتر این دیدگاه‌ها می‌توان نقاط اشتراک و افتراقی را یافت که کمک زیادی به دسته بندی تعاریف می‌کند. از جمله این نقاط اشتراک و افتراق، سه بعد عینی و ذهنی و رفتاری است (Brown, 2020). در یک بررسی بیشتر این دیدگاه‌ها می‌توان نقاط اشتراک و افتراقی را یافت که کمک زیادی به دسته بندی تعاریف می‌کند. از جمله این نقاط اشتراک و افتراق، سه بعد عینی و ذهنی و رفتاری است. در این زمینه لزوم توجه به زنان در مطالعات کیفیت زندگی شهری مبرم به نظر می‌رسد. از آن جهت گفته می‌شود که کیفیت زندگی زنان پایین تر از مردان است که اشتغال مردان از زنان بیشتر است و حضور مردان در فضاهای شهری بیشتر از زنان است. اما به طور کلی سلامت زنان، اشتغال آن‌ها، شادکامی و رضایت از زندگی شان متاثر از شرایط اجتماعی جامعه است و موثر بر آن مولفه‌های فوق مفهوم کیفیت زندگی زن را می‌سازند (Pierce et al, 2016:81).

کیفیت زندگی، یکی از مسائل حائز اهمیت در حوزه‌های مطالعاتی مختلف است؛ که ابتدا در حوزه‌های سلامت و بهداشت مورد استفاده قرار می‌گرفت و به تدریج به دیگر حوزه‌های مطالعاتی ورود پیدا کرد (Anbari, 2010). کیفیت زندگی را می‌توان بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی ۱ یکی از پیامدهای پر اهمیت در ارزیابی‌های سلامت باشد. همچنین این مفهوم یک عنصر حیاتی برای سنجش توسعه یک جامعه و یک ابزار کلیدی در سیاست گذاری‌های کلان در راستای توسعه پایدار؛ به طوری که بهبود کیفیت زندگی را می‌توان یکی از اهداف اصلی طرح‌های توسعه شهری و از عوامل تاثیر گذار پایداری اجتماعی و اقتصادی و به تبع آن پایداری محیطی و توسعه پایدار دانست (Ahmad Akhouni et al., 2014). بر این اساس شناخت کیفیت زندگی مباحث پیرامون آن، می‌تواند مسئولین و سیاستگذاران را به سمت توسعه پایدار رهنمون کند (Kurniawati, 2012:478).

کیفیت زندگی را می‌توان در ابعاد مختلف بر مبنای شاخص‌های متنوعی مورد بررسی قرار داد. در ابتدا تنها بعد اقتصادی به عنوان هدف اصلی مورد توجه قرار می‌گرفت. از حدود ۱۹۶۰ میلادی همگام با نقدهای اجتماعی پسامدرن به محیط زیست انسان دیدگاه تک بعدی کیفیت زندگی مورد تردید قرار گرفت و به تدریج ابعاد اجتماعی و محیطی تحت عناوینی چون بهزیستی اجتماعی و رضایتمندی سکونتی جایگاه ویژه‌ای یافت (Stephens et al. , 2020). همچنین با مورد توجه قرار گرفتن دیدگاه عینی - ذهنی در برابر دیدگاه‌های عینی و ذهنی، ساختار کیفیت زندگی دچار پیچیدگی‌های فراوانی شد (Brown, 2020).

جدول شماره ۲. شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش

منبع	گویه	شاخص
Ditton(2000)	نظارت غیراجتماعی	امنیت و ایمنی
Rosewan(2005)	روشنایی و امنیت	
Cross(2005)	قابل دید بودن محیط	
Schweitzer(1999)	شرایط فیزیکی محیط	
Schweitzer(1999)	حمل و نقل و امنیت	دسترسی
عباس زادگان(۱۳۸۵)	نفوذپذیری	
Kellert(2005)	دسترسی به اماکن انتظامی	
Denis(2006)	تعاملات اجتماعی	اجتماع پذیری
زارع و همکاران(۱۳۹۸)	حس مکان	
Kellert(2005)	ادراک محیط	
حاجی احمدی همدانی(۱۳۹۴)	کیفیت پیاده رو و امنیت	کیفیت شرایط کالبدی
شجاعی فر(۱۳۹۹)	میزان تعاملات اجتماعی	مشارکت در امور
رفیعیان(۱۳۹۹)	وجود فضاهای تعامل محور	
رفیعیان(۱۳۹۹) عباس زادگان(۱۳۸۵)	رضایتمندی از میزان اختصاصی فضا	رضایتمندی
Kellert(2005)	رضایتمندی از مناسب سازی محیط	
Ditton(2000)	تعامل به ماندگاری در محیط	حس تعلق
Rosewan(2005)	هویت	



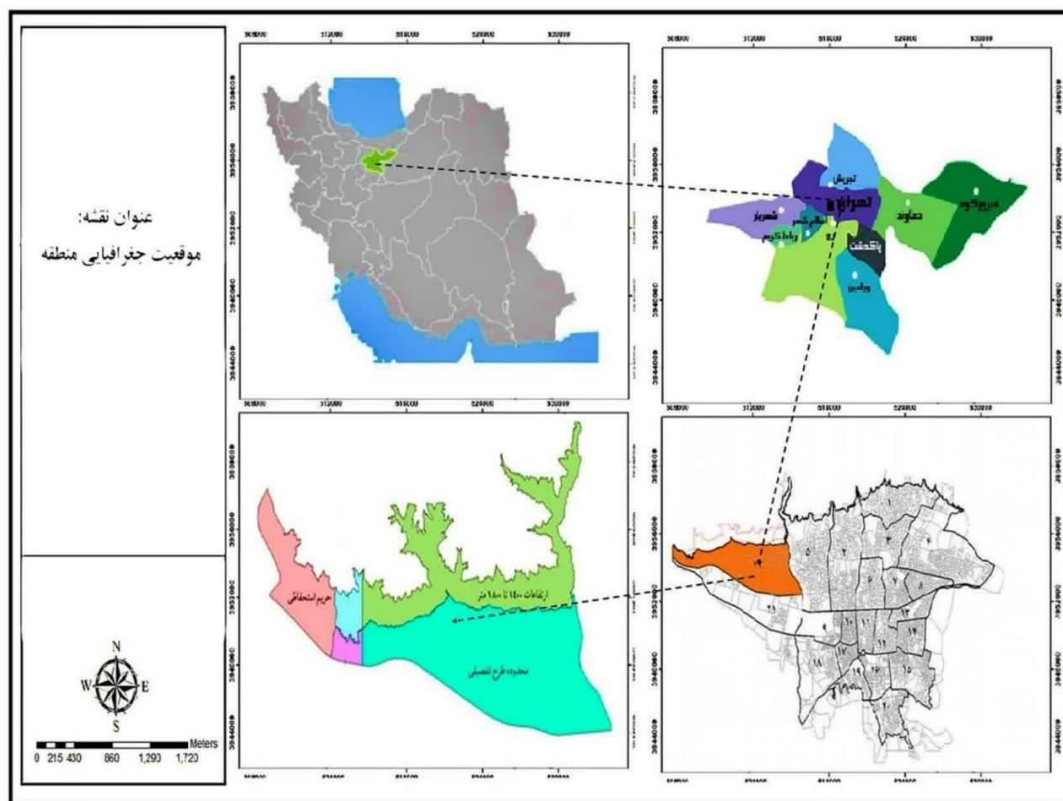
۴. روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و علی بوده و از طریق شیوه‌های پیمایشی و میدانی یا آنچه مصاحبه شخصی خوانده می‌شود استفاده شده است. در ضمن برای تدوین چارچوب نظری تحقیق و مروری بر تحقیقات پیشین، از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) نیز بهره گرفته شده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و در این پژوهش به منظور جمع آوری اطلاعات از روش‌های تحقیق کیفی و کمی (پیمایش و پرسشنامه محقق ساخته) در ارتباط با موضوع و اهداف تحقیق استفاده شده است و همچنین استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌های مرتبط با موضوع تحقیق استفاده شده است. جهت بررسی روایی ابزار پرسشنامه در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه می‌شود و با مشورت و استفاده از نظرات استاد راهنما، روایی محتوایی تحقیق بدست می‌آید. جهت پایایی سوالات پرسشنامه نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده می‌شود. همچنین در این تحقیق،

روابط بین متغیرهای پژوهش از طریق آماره‌های توصیفی (جداول فراوانی، نمودارها و...) و استنباطی در قالب نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل فرضیات از مدل سازی معادلات ساختاری با استفاده از تحلیل AMOS استفاده می‌شود. از این مدل می‌توان برای تحلیل مسیر و تحلیل رابطه علت و معلولی استفاده کرد.

منطقه مورد مطالعه

منطقه ۲۲ شهرداری تهران در قسمت شمال غربی شهر تهران واقع شده است. این منطقه بین در طول شرقی ۵۱.۵۰.۱۰ و ۵۱.۲۰.۴۰ و عرض‌های شمالی ۳۵.۳۲.۱۶ و ۳۵.۵۷.۱۹ در قسمت شمال غربی شهر تهران و در پایین دست حوضه آبریز رودخانه کن و وردیج واقع شده است. این منطقه در شمال با کوهستان البرز مرکزی، در شرق با حریم رودخانه کن، در جنوب با آزاد راه تهران- کرج و در غرب با محدوده جنگل‌های دست کاشت وردآورد محدود می‌گردد و با مناطق ۵ و ۲۱ شهرداری تهران همجوار است. به این ترتیب مرز شمالی منطقه ۲۲ شهرداری تهران تا منتهی الیه دامنه‌های جنوبی البرز تا ارتفاع ۱۸۰۰ متری توسعه یافته است. کوهستان البرز که طی ۳۰ سال اخیر شهر را بسوی خود جذب نموده است.



۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش به توصیف حجم نمونه بر اساس اطلاعات بدست آمده پرداخته و با اجرای آزمون آماری مناسب در مورد معناداری رابطه‌ها و تفاوت‌ها و تعمیم نتایج بدست آمده به جامعه مورد نظر اقدام می‌شود. با استفاده از نرم افزارهای spss24 و Amose22 در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده پرداخته شده است. در سطح توصیفی ضمن طبقه بندی داده‌ها از شاخص‌های آماری زیر استفاده شده است

شاخص‌های فراوانی (فراوانی، درصد فراوانی، و...)

شاخص‌های پراکندگی

جهت بررسی سوال‌ها و مدل یابی پژوهش نیز ضمن کمی سازی فرضیه‌های مربوط به هر متغیر، از معادلات ساختاری استفاده شده است.

در ارتباط با یافته‌های توصیفی تحقیق نتایج نشان می‌دهد که، بیشتر آزمودنی‌ها معادل ۶۵ نفر (۳۵/۹٪) بین ۲۶ تا ۳۳ سال سن دارند این درحالی است که فقط ۳۱ نفر (۱۷/۱٪) بین ۴۱ تا ۵۰ سال سن دارند. ۲۹.۳ درصد بین ۱۸ تا ۲۵ سال و ۳۵.۹ درصد بین ۲۶ تا ۳۳ قرار دارند و ۱۷.۷ درصد بین ۳۴ تا ۴۰ سال و در نهایت ۱۷.۱ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال قرار دارند. در ارتباط با تحصیلات نیز بیشتر آزمودنی‌ها معادل ۱۰۰ نفر (۵۷.۲ درصد) تحصیلات کارشناسی و کمترین آزمودنی‌ها معادل ۲۲ نفر (۱۲.۲ درصد) مربوط به تحصیلات دیپلم می‌باشد. طبق یافته‌ها تحصیلات ۱۴.۲ درصد کمتر از دیپلم، ۱۲.۳ درصد دیپلم، ۵۷.۲ درصد در رده کارشناسی و ۱۶.۳ درصد نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده اند. از لحاظ تاهل بیشتر آزمودنی‌ها معادل ۱۰۸ نفر (۵۹/۷٪) مجرد و سایرین معادل ۷۳ نفر (۴۰/۳٪) متاهل هستند. در ادامه به یافته‌های تحلیلی پژوهش می‌پردازیم. لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش از مبانی نظری استخراج شده است

جدول شماره ۳: جدول آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
تحرك پذیری	۵۱/۳۱	۵۱	۴۵	۱۱/۳۵	۰/۰۴۴	-۱/۲۹۶
امنیت و ایمنی	۳۰/۸۲	۳۰	۲۰	۱۱/۶۹	۰/۵۶۹	-۰/۸۲۴
اجتماع پذیری	۱۵/۱۲	۱۵	۱۵	۳/۲۴	۰/۲۷	-۰/۶۸
دسترسی	۳۰/۱۹	۲۴	۲۰	۱۲/۲۴	۰/۷۶	-۰/۷۷
مشارکت در امور	۳۱/۳۸	۳۱	۲۰	۱۰/۵۲	۰/۲۱۸	-۱/۳۸۱
رضایتمندی	۱۴/۳۷	۱۴	۱۵	۳/۱۸۸	۰/۶۰۴	-۰/۳۵۴
امکانات و خدمات فراغتی	۵۰/۵۸	۵۱	۵۱	۱۰/۶۳	-۰/۰۲۷	-۱/۰۸۳

کیفیت شرایط کالبدی	۹۷/۲۶	۹۷	۹۰	۲۰/۹	۰/۰۶۶	-۱/۲
حس تعلق	۶۱/۵۷	۶۱	۵۹	۱۸/۵۶	۰/۳۹۴	-۰/۹۴۱

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مقادیر میانگین، میانه و نما برای همه متغیرهای پژوهش نزدیک به هم می‌باشند که بیانگر نرمال بودن نمرات هستند نتایج نشان می‌دهد که چولگی گرایش به تأثیرگذاری آزمون‌های میانگین دارد، کشیدگی به شدت بر آزمون‌های واریانس و کواریانس‌ها تأثیر می‌گذارد. از سویی مقادیر کجی و کشیدگی با قرار گرفتن در دامنه (+۲) و (-۲) موید این مطلب است. از سویی نتایج جدول ۳ آزمون کلوموگروف اسمیروف موید نرمال بودن نمرات می‌باشد. با توجه به جدول ۳ میزان میانگین تحرک‌پذیری برابر با ۵۱.۳۱ درصد، امنیت و ایمنی ۳۰.۸۲ درصد، اجتماع‌پذیری ۱۵.۱۲ درصد، دسترسی‌ها ۳۰.۱۹ درصد، مشارکت در امور ۳۱.۳۸ درصد، رضایتمندی برابر با ۱۴.۳۷ درصد، امکانات و خدمات فراغتی ۵۰.۵۸ درصد، کیفیت شرایط کالبدی ۹۷.۲۶، حس تعلق ۶۱.۵۷ درصد به دست آمده است. لازم به ذکر است که نمرات تحلیل شده برای هر کدام از آماره‌های توصیفی، شامل جمع نمرات سئوالات مربوط به آن آماره می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که چولگی گرایش به تأثیرگذاری آزمون‌های میانگین دارد، کشیدگی به شدت بر آزمون‌های واریانس و کواریانس‌ها تأثیر می‌گذارد با توجه به اینکه معادلات ساختاری بر مبنای تحلیل ساختارهای کواریانس می‌باشد که برای بررسی نرمال بودن داده‌ها در نرم‌افزار شاخص کشیدگی که بین و شاخص چولگی که بین ۳- و ۳+ باشد توزیع نرمال می‌باشد. Amos شاخص کشیدگی که بین و شاخص چولگی که بین ۳- و ۳+ باشد توزیع نرمال می‌باشد.

با توجه به جدول ۴ میزان سطح معناداری تحرک‌پذیری برابر با ۰.۱۱۱ درصد، امنیت و ایمنی ۰.۰۹۸ درصد، اجتماع‌پذیری ۰.۱۵۱ درصد، دسترسی‌ها ۰.۱۹ درصد، مشارکت در امور ۰.۰۵۸ درصد، رضایتمندی برابر با ۰.۱۲۱ درصد، امکانات و خدمات فراغتی ۰.۱۸۲ درصد، کیفیت شرایط کالبدی ۰.۱۴۴، حس تعلق ۰.۱۴۲ به دست آمده است. همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود سطح معناداری متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین نمرات در حیطه نرمال قرار دارند.

جدول شماره ۴: جدول ضریب اعتبار پرسشنامه پژوهش

متغیر	تعداد گویه متغیر	ضریب اعتبار
تحرک‌پذیری	۱	۰/۶۲۴
امنیت و ایمنی	۴	۰/۵۵۸
اجتماع‌پذیری	۳	۰/۵۹۷
دسترسی	۳	۰/۷۵۱
مشارکت در امور	۲	۰/۶۰۵

رضایتمندی	۲	۰/۷۲۱
کیفیت شرایط کالبدی	۱	۰/۵۷۳
حس تعلق	۲	۰/۵۷۴

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود ضریب اعتبار پرسشنامه‌های پژوهش به شیوه آلفای کرونباخ بیشتر از ۰/۵ است که بیانگر اعتبار قابل قبول آن‌ها می‌باشد. با توجه به جدول ۵ میزان ضریب اعتبار تحرک‌پذیری برابر با ۰/۶۲۴ درصد و با تعداد ۹ گویه، امنیت و ایمنی ۰/۵۵۸ درصد با تعداد ۶ گویه، اجتماع‌پذیری ۰/۵۹۷ درصد با تعداد ۳ گویه، دسترسی‌ها ۰/۷۵۱ درصد با تعداد ۱۸ گویه، مشارکت در امور ۰/۶۰۵ درصد با تعداد ۶ گویه، رضایتمندی برابر با ۰/۷۲۱ درصد با تعداد ۶ گویه، امکانات و خدمات فراغتی ۰/۷۲۶ درصد با تعداد ۱۲ گویه، کیفیت شرایط کالبدی ۰/۵۷۳ درصد با تعداد ۴ گویه، حس تعلق با تعداد ۶ گویه میزان ۰/۵۷۴ درصد به دست آمده است.

جدول شماره ۵: خلاصه رگرسیون در فرضیه اصلی اول

متغیر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
تحرک‌پذیری	۵۱/۳۱	۵۱	۴۵	۱۱/۳۵	۰/۰۴۴	-۱/۲۹۶
امنیت و ایمنی	۳۰/۸۲	۳۰	۲۰	۱۱/۶۹	۰/۵۶۹	-۰/۸۲۴
اجتماع‌پذیری	۱۵/۱۲	۱۵	۱۵	۳/۲۴	۰/۲۷	-۰/۶۸
دسترسی	۳۰/۱۹	۲۴	۲۰	۱۲/۲۴	۰/۷۶	-۰/۷۷
مشارکت در امور	۳۱/۳۸	۳۱	۲۰	۱۰/۵۲	۰/۲۱۸	-۱/۳۸۱
رضایتمندی	۱۴/۳۷	۱۴	۱۵	۳/۱۸۸	۰/۶۰۴	-۰/۳۵۴
امکانات و خدمات فراغتی	۵۰/۵۸	۵۱	۵۱	۱۰/۶۳	-۰/۰۲۷	-۱/۰۸۳
کیفیت شرایط کالبدی	۹۷/۲۶	۹۷	۹۰	۲۰/۹	۰/۰۶۶	-۱/۲
حس تعلق	۶۱/۵۷	۶۱	۵۹	۱۸/۵۶	۰/۳۹۴	-۰/۹۴۱

همان طور که مشاهده می‌شود متغیر دسترسی با $T=11/598$, $\beta=0/655$, $P<0/01$ بر کیفیت کالبدی تاثیر گذاشته و از طریق آن با $T=396/9$, $\beta=0/573$, $P<0/01$ بر حس تعلق تاثیر دارد. به عبارت دیگر متغیر دسترسی از طریق کیفیت کالبدی پیش بینی کننده قوی برای حس تعلق زنان در منطقه خواهد بود. همانطور که از جداول و شکل‌های فوق قابل استنباط است تحلیل مسیر تاییدی با توجه به ضرایب استاندارد و اعداد معناداری مورد تایید قرار گرفته است و نشان می‌دهد که روابط موجود براساس نظریه‌های استخراج

شده و داده‌های گردآوری شده از نمونه مورد بررسی در سطح معناداری ۰/۰۵ از قرار زیر است. در ارتباط با میزان همبستگی نیز در این دامنه، همبستگی‌ها از نظر آماری بالاتر از سطح یک درصد معنی دار هستند. وقتی همبستگی حدود ۰/۴۰ باشد، پیش بینی ساده گروهی امکان پذیر است.

شاخص‌های برازش مدل

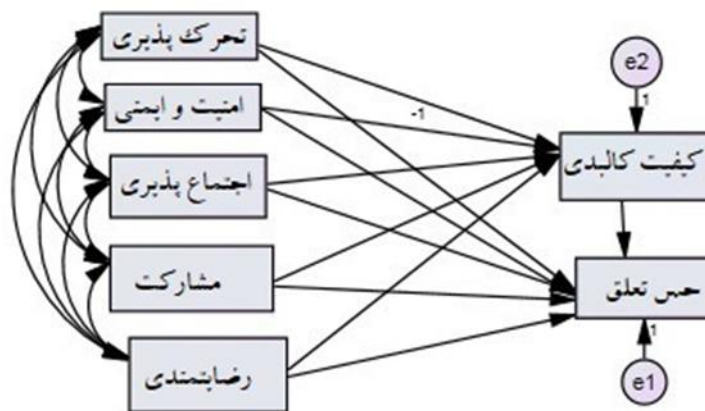
یکی از اولین آماره‌هایی که به ارزیابی برازش پرداخته است نسبت آماره‌ی λ^2 به درجات آزادی بوده است این معیارها که عموماً به آن‌ها به عنوان شاخص‌های برازش ذهنی، علمی یا تعقیبی اشاره می‌شود معمولاً به عنوان ضمایم برای آماره λ^2 به کار می‌روند.

شاخص نیکویی برازش GFI اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس در کوواریانس در S است شاخص AGFI نیکویی برازش سازگار شده تنها در این مورد با GFI متفاوت است که AGFI برای مقدار درجات آزادی در یک مدل مشخص سازگار است. GFI و AGFI را می‌توان به صورت شاخص‌های مطلق برازش طبقه‌بندی کرد. چون آن‌ها عمدتاً مدل فرضی را به هیچ مدلی مقایسه نمی‌کنند. اگر چه دامنه‌ی هر دوی این شاخص‌ها از صفر تا یک است.

شاخص برازش هنجار NFI که به ناچیز انگاشتن برازش در نمونه‌های کوچک تمایل داشته است، در شاخص NFI تجدید نظر کرده تا اندازه‌ی نمونه را به حساب آورده و سپس شاخص برازش تطبیقی CFI را ارائه داده است دامنه‌ی مقادیر CFI و NFI از صفر تا یک است.

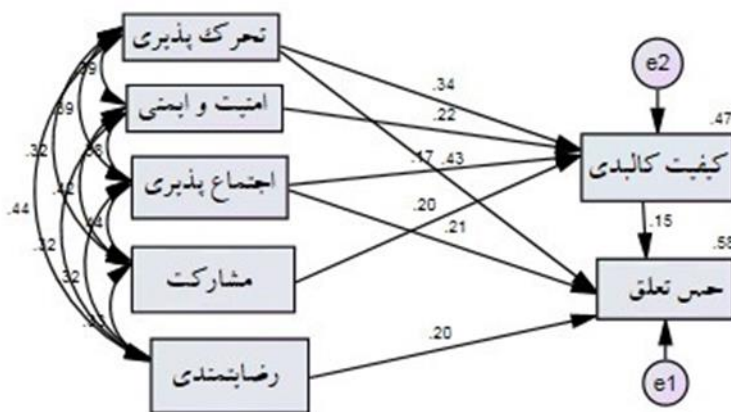
شاخص افزایشی برازش IFI برای پرداختن به موضوعات مقتصد و اندازه‌ی نمونه که در رابطه با NFI هستند، تهیه شده است و همچنین محاسبات این شاخص مشابه محاسبات NFI است، با این تفاوت که در اینجا درجات آزادی هم محاسبه شده‌اند. اگر چه دامنه‌ی این شاخص از صفر تا یک است.

مجموعه بعدی آماره‌های برازش بر ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA تأکید دارد. اگر چه این شاخص و چارچوب مفهومی که در آن قرار گرفته است، ابتدا توسط استیگر و لایند در سال ۱۹۸۰ ارائه شد، ولی تنها در این اواخر به عنوان یکی از مفیدترین معیارها در مدل‌سازی کوواریانس ساخته شده است. مقادیر کمتر از ۰/۰۵ بیانگر برازش خوب و مقادیر معادل ۰/۰۸ خطاهای قابل معقول را در جامعه نشان می‌دهد



نمودار اضرایب مسیر رگرسیونی استاندارد نشده در قالب معادلات ساختاری (در مدل اولیه)

از آنجایی که در این مدل برآزش مناسب و مطلوب نیست مسیرها از رضایتمندی به کیفیت کالبدی (ضریب غیر استاندارد=۰/۱۵۸، ضریب استاندارد =۰/۱۱۳، $T = ۱/۸۱۳$)؛ تحرک‌پذیری به حس تعلق (ضریب غیر استاندارد=۰/۰۷۴، ضریب استاندارد =۰/۰۷۷، $T = ۱/۰۶۹$) و از مشارکت به حس تعلق (ضریب غیر استاندارد=۰/۰۹۷، ضریب استاندارد =۰/۱۰۵، $T = ۱/۰۹۲$) با $P < ۰/۰۵$ حذف و مدل دوباره اجرا شد. براین اساس نتایج بدست آمده از قرار زیر است.



نمودار ۲ ضرایب مسیر رگرسیونی استاندارد شده در قالب معادلات ساختاری (در مدل نهایی)

همانطور که از جداول و شکل‌های فوق قابل استنباط است تحلیل مسیر تاییدی با توجه به ضرایب استاندارد و اعداد معناداری مورد تایید قرار گرفته است و نشان می‌دهد که روابط موجود براساس نظریه‌های استخراج شده و داده‌های گردآوری شده از نمونه مورد بررسی در سطح معناداری ۰/۰۵ از قرار زیر است.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد تحرک‌پذیری از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. تحرک‌پذیری در میان جوامع انسانی عملی سازمان یافته محسوب می‌شود، که یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی می‌باشد. در این میان زنان به دلیل حساسیت‌هایی که در زندگی اجتماعی آنان و جوامع وجود دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. متغیر تحرک‌پذیری با $T=5/492, r=0/338, P<0/01$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429, r=0/15, P<0/01$ بر حس تعلق تاثیر غیر مستقیم دارد. از سویی مشخص شد متغیر تحرک‌پذیری با $T=6/883, r=0/426, P<0/01$ بر حس تعلق در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد امنیت و ایمنی از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. استفاده از حمل و نقل عمومی و غیر موتوری، لازمه داشتن عدالت اجتماعی است و حق افراد است که با ایمنی کامل از خدمات عمومی برای تردد خود درون شهر استفاده کنند. نکته مهم این موضوع به ویژه با تأکید بر مسائل مترتب بر جنسیت در این است که تحقیقات نشان داده است که زنان معمولاً بیشتر از اتوبوس استفاده می‌کنند. متغیر امنیت و ایمنی با $T=3/512, r=0/222, P<0/01$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429, r=0/15, P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد اجتماع‌پذیری در از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. متغیر اجتماع‌پذیری با $T=2/615, r=0/167, P<0/05$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429, r=0/15, P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد. از سویی مشخص شد متغیر اجتماع‌پذیری با $T=3/633, r=0/206, P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر مستقیم دارد.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد میزان مشارکت در امور از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. د متغیر مشارکت با $T=3/195$

$T=2/429$, $r=0/15$, با از طریق آن با $r=0/203$, $P<0/05$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و

$P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد. فرضیه ۵: به نظر می‌رسد رضایتمندی از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. همان طور که پیش تر ذکر شد متغیر رضایتمندی با $T=1/813$, $r=0/113$, $P>0/04$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر معنادار داشته است؛ متغیر رضایتمندی با $T=3/642$, $r=0/2$, $P<0/01$ بر حس تعلق زنان تاثیر مستقیم دارد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اصلاح فضاهای تک جنسیتی موضوعی است که در حوزه برنامه‌ریزی شهری کمتر به آن پرداخته شده است و این موضوع سبب شده که در بسیاری از موارد حذف بانوان از سطح فضاهای شهری در بسیاری از نواحی وجود داشته باشد. بررسی مطالعات انجام شده در ارتباط با اصلاح فضای تک جنسیتی با رویکرد ارتقای کیفیت زندگی در منطقه ۲۲ شهر تهران در این پژوهش نشان داد که در شکل‌گیری فضاهای تک‌جنسیتی متغیرهایی مثل تحریک‌پذیری، امنیت و ایمنی، اجتماع‌پذیری، دسترسی به خدمات، مشارکت، رضایتمندی، امکانات و خدمات فراغتی، کیفیت شرایط کالبدی محیط و حس تعلق به مکان بسیار می‌تواند تاثیرگذار باشد.

این یافته‌ها با پژوهش‌های هاشم زنی و همکاران (۱۴۰۰) بیضایی و همکار (۱۳۹۷) انطباق کامل دارد. بنابراین مجموعه عوامل فوق سبب شده است که چشم‌انداز فضایی از نوع تک‌جنسیتی در برخی از مناطق از جمله منطقه ۲۲ شهر تهران وجود داشته باشد. علاوه بر این مطالعات انجام گرفته در محدوده مورد مطالعاتی بیانگر شکاف جنسیتی نیز می‌باشد. این تحقیق بیانگر تاثیر فضاهای تک‌جنسیتی و کیفیت زندگی نیز در محدوده مورد مطالعه است. هر کدام از شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر تاثیرات متفاوتی بر فضاهای تک‌جنسیتی دارد. نتیجه چنین رویکردی سبب کاهش مشارکت بانوان در عرصه‌های مختلف در فضاهای شهری می‌شود.

فضاهای عمومی در منطقه ۲۲ کلانشهر تهران به عنوان جایگاه تجلی شرایط کالبدی با نیازهای شهروندان خواهد بود. این امر می‌تواند بسترهای لازم برای دسترسی به خدمات مورد نیاز برای زنان را فراهم کند این موضوع با پژوهش‌های جانسون و همکار (۲۰۱۴) همسویی دارد. بنابراین فضاهای داخل شهر از جمله متغیرهایی هستند که بر روی ارتقاء کیفیت زندگی بسیار تاثیر گذار است. از طرف دیگر برای دستیابی به یک کیفیت پایدار در حوزه شهری باید حضور همه گروه‌های جامعه از جمله بانوان در داخل فضاهای شهری

مورد توجه قرار گیرد. نتایج این پژوهش نشان داد که در برخی از فضاهای شهری منطقه ۲۲ به دلیل عدم وجود برخی مولفه‌های خاص عمدتاً این فضاها تک‌جنسیتی بوده و در اختیار مردان قرار می‌گیرد. بنابراین نتایج این پژوهش نشان داد که هر چقدر فضاهای عمومی منطقه ۲۲ کیفیت‌های بیشتری رو در ارتباط با نیازهای گروه‌های بانوان برآورده کند، بنابراین اصلاح فضای تک‌جنسیتی نیز به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود. از جمله مهم‌ترین متغیرهایی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت موضوع امنیت ایمنی در فضاهای شهری است که به سایر متغیرها نیز وابسته است. این نکته‌ای است که در پژوهش‌های کاژیلو و همکاران (۲۰۲۰) و نیز در یافته‌های پژوهشی رومینا و همکاران در سال ۱۳۹۷ مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. نتایج نشان داد که متغیر دسترسی با $T=11/598$, $\beta=0/655$, $P<0/01$ بر کیفیت کالبدی تاثیر گذاشته و از طریق آن با $T=396/9$, $\beta=0/573$, $P<0/01$ بر حس تعلق تاثیر دارد. به عبارت دیگر متغیر دسترسی از طریق کیفیت کالبدی، پیش‌بینی کننده قوی برای حس تعلق زنان در منطقه خواهد بود. این نکته با پژوهش‌های بیضایی و همکار (۱۳۹۷) همسویی دارد. تحرک‌پذیری در میان جوامع انسانی عملی سازمان‌یافته محسوب می‌شود، که یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی می‌باشد. در این میان زنان به دلیل حساسیت‌هایی که در زندگی اجتماعی آنان و جوامع وجود دارد از اهمیت خاصی برخوردار است. متغیر تحرک‌پذیری با $T=5/492$, $r=0/338$, $P<0/01$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته است.

متغیر اجتماع‌پذیری از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. متغیر اجتماع‌پذیری با $T=2/615$, $r=0/167$, $P<0/05$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429$, $r=0/15$, $P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد. از سویی مشخص شد متغیر اجتماع‌پذیری با $T=3/633$, $r=0/206$, $P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر مستقیم دارد. این قسمت از یافته‌ها با پژوهش‌های مارتین (۲۰۰۶) و بیضایی و همکار (۱۳۹۷) هم‌راستاست.

میزان مشارکت در امور از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. متغیر مشارکت با $T=3/195$, $r=0/203$, $P<0/05$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر داشته و از طریق آن با $T=2/429$, $r=0/15$, $P<0/01$ بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ تاثیر غیر مستقیم دارد. رضایتمندی از طریق کیفیت شرایط کالبدی بر حس تعلق زنان در جهت اصلاح فضاهای تک‌جنسیتی منطقه ۲۲ شهر تهران موثر است. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد متغیر رضایتمندی با $T=1/813$, $r=0/113$, $P>0/04$ بر کیفیت شرایط کالبدی تاثیر معنادار داشته

است؛ متغیر رضایتمندی با $T=3/642, r=0/2, P<0/01$ بر حس تعلق زنان تاثیر مستقیم دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های لک (۲۰۱۷) پور حسین روشن و همکاران (۱۳۹۸) و نیز با یافته‌های پل (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

در راستای نتایج فوق پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- ایجاد فضاهای عمومی در منطقه مورد مطالعه برای بانوان برای رشد خلاقیت و ایجاد محیطی تفریحی و سازنده در یک مجموعه شهری؛
- افزایش کیفیت فضای مورد استفاده بانوان برای رسیدن به عدالت جنسیتی در فضای شهری؛
- بررسی فضاهای عمومی شهری در منطقه مورد مطالعه با توجه به نیازهای گروه‌های مختلف از جمله زنان؛ و
- افزایش و بهبود مطلوبیت این فضاها از یک سو و برقراری عدالت جنسیتی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری که این موضوع می‌تواند به بهبود محیط‌های انسانی در شهر و حضور مؤثر زنان در تولید و باز تولید فرهنگ شهری منجر شود.

کتابنامه

1. Almasi Far, N., & Ansari, M., (2010). Investigating environmental security in parks as the part of urban spaces from the perspective of women based on the CPTED approach (case study: Sa'ie Park). *Quarterly Journal of Urban Management*, 8(25):21-34. [In Persian]
2. Amini, E., Boromand M., & Roohafza F., (2017). Evaluation of factors affecting the quality of public spaces in new cities, case study: Parand New City. 6(26): 89-110. [In Persian]
3. Anbari, M., (2010). Survey of Quality of Life Developments in Iran(1365 to 2006). *Rural Development*, 1(2): 149-181.[I n Persian]
4. Begum, J., (2012). Women, environment and sustainable development, making the links. *Women and the environment*, 33(2): 11-27.
5. Beheshti Asl, A., Valizadeh, R., Ahmadzadeh, H., (2021). Measuring the quality of urban spaces with a gender justice approach in metropolises, case study: Tabriz metropolis. *Quarterly Scientific Journal of New Approaches in Human Geography*, 14(1):45-63. [In Persian]
6. Beizaei, M., & Gharavi, G., (2018). Investigating the factors affecting the presence of women in urban spaces and analyzing the effects of single-gender spaces (case study: Mashhad Mellat Women's Park). *Quarterly Journal of Geography and Human Relations*, 1(3):819-838. [In Persian]
7. Fanni, Z., Heidari, S., & Aghaei, P., (2015). Measuring the quality of urban life with an emphasis on gender, case study: Qorveh city. *Bi-Quarterly Journal of Urban Ecology*, 6(2): 65-78. [In Persian]
8. Fayers, P.M. & Machin, D.,(2013). *Quality of life: the assessment, analysis and interpretation of patient-reported outcomes*. John Wiley & Sons.
9. Garmsirinezhad, S., Khorimbakht, A., Moghli, M., (2022). Assessing the quality of urban public spaces based on gender perspective (Case study: Alishahr new city). *Sociological studies*, 14(53): 129-143.

10. Habib, F., (2007). Sustainability Approach in the Context of Urban Planning. *Quarterly Journal of Environmental Science and Technology*, 12(3): 111-120. [In Persian]
11. Habibi, S.M., (2000). Civil Society and Urban Life. *Journal of Fine Arts - Architecture and Urban Planning*, 7(12): 21-33. [In Persian]
12. Hashem Zehi, S., Hafez Rezazadeh, M., & Karimian, Bastani, M., (2021). Analysis of the dimensions and components of women's position in planning and designing public spaces in Iranian-Islamic cities (case study: Zahedan city). *Scientific-Research Quarterly, New Perspectives in Human Geography*, 13(3): 199-214. [In Persian]
13. Kalantari Khalilabad, H., Pourahmad, A., Saraji, S., & Ardalani, R., (2013). Planning safe urban spaces based on gender segregation with CPTED approach, case study: Farhangian district, Bonab city. *Iranian Islamic City Scientific and Research Quarterly*, 1(12): 15-26. [In Persian]
14. Khaled, A., (2010). Gender Differences in Students' Motivation and Academic Achievement. *Quarterly Journal of Women's Strategic Studies*, 13(50):81-124.[In Persian]
15. Kurniawati, W., (2012). Public Space for Marginal People. *Social and Behavioral Sciences*, 36(2): 474-484.
16. Lynch, K., (2013). *Theory of Good City Form*. (Hossein Bahrini, Trans.). Tehran: Tehran University Press.
17. Massey, D., (2013). *Space, place and gender*. John Wiley & Sons.
18. Moaveni, E., & Rahmani, H., (2019). The impact of security and gender space on increasing the presence of women in urban space (Case study: Shiraz Women's Park). *Architectural Journal*, 2(9): 1-11. [In Persian]
19. Mohammadi, M., (2018). Recognizing the dual oppositions of gendered urban space, based on a semiotic-analytical approach to public space in traditional district. *Iranian Architecture and Urban Planning Scientific-Research Journal*, 9(2): 33-51. [In Persian]
20. Nasiri Hendeh Khaleh, E., Jamshidzahi Shahbakhsh, O., & Mohaghehpour, Y., (2023). The Effects of Good Urban Governance in Achieving Resilience of Informal Settlements in Zanjan City, Iran. *Localis*, 21(3): 598-623.
21. Pasaogullari, N., & Doratli, N., (2004). Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta. *Cities*, 21(3): 225-232.
22. Pierce, J., Williams, O.R., & Martin, D.G., (2016). Rights in places: An analytical extension of the right to the city. *Geoforum*, 70(2): 79-88.
23. Pietro, G., Elliott, D., & Gabriell, Y., (2005). *A home in the City*. UN Millennium Project, Task Force on Improving the Lives of Slum Dwellers, London.
24. Pourhossein Roshan, H., PourJafar, M.R., & Ali Akbari, S., (2019). Explaining Gender Justice in Urban Space. *Journal of Regional Urban Development Planning*, 10(1):115-1450. [In Persian]
25. Pourshojaie, F., & Habibi, M., (2015). Investigating the performance of women-specific public spaces in terms of responding to women's general needs compared to other public spaces. *Journal of Fine Arts, Architecture and Urban Planning*, 20(1): 38-45. [In Persian]
26. Romina, G., Teymuripour, A., (2018). Investigating the relationship between space and gender justice; Case study: Tehran city, 6th district. *Journal of Political Geography Research*, 3(4): 141-161. [In Persian]
27. Sadeghi, A., (2012). Recognized of Dominated Aspects of Woman Presence in Urban Public Realms (Case study of Shiraz City). *Quarterly Journal of Urban Studies*, 1(2): 71-85. [In Persian]

28. Sadeghzadeh, M., Khormaei, F., & Beshardeh, Sh., (2017). The relationship between gender conformity and perception with the quality of life of Iranian women. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Research*, 1(1): 17-22. [In Persian]
29. Salimi. N., Kazemi. H., (2022). Discourse and narratives of gender justice policy in Iran, the analysis of causes and aspects of the diversity of programs and policies. *Woman in development and policy*, 72(1): 269-304.
30. Shokohi, Dowlat Abadi, M., & Masoud, M., (2010). Pedestrian as a factor for increasing social capital. *Journal of the Iranian Society of Architecture and Urban Planning*, 1(1): 55-66. [In Persian]
31. Sweet, E.L., & Ortiz Escalante, S.,(2014). Bringing bodies into planning: Visceral ethods, fear and gender violence. *Journal of Urban Studies*, 52, 1826–1845.
32. Talebi, Zh., (2010). Social Relations in Urban Spaces. *Bi-Quarterly Journal of Social Sciences*, 24(4): 161-180. [In Persian]
33. Tohidlo, S., (2022). Gender justice with the thinkers of the constitutional era. *A woman's letter study*, 12(3): 55-83.
34. Zibayi Nejjhad, M.R.(2009). *Gender Identity and Roles*. Women's Studies and Research Office.